



Paper type: Research Article

Behavioral Accounting Model with Management Control System Approach

Younes Heidari¹, Yaqoob Aghdam Mazraa^{*2}, Rasoul Abdi³, Ali Jafari⁴

Received: 2025/06/08

Accepted: 2025/09/30

Abstract

Purpose:The aim of this study is to present a behavioral accounting model with a management control system approach.

Method:In this regard, the factors affecting behavioral accounting were first identified through an outcome-based meta-analysis. Then, the influential variables were determined using the Delphi method and purposefully provided to 28 experts, including accounting and management professors as well as organizational managers, in 2024 to reach a theoretical consensus on the explanatory variables.

Findings:The results showed that the outputs of accounting systems can be influenced by various factors such as the social, political, economic, and technological environment. Therefore, the interpretation of these outputs is accompanied by different reactions, which is called behavioral accounting.

Conclusion:The application of behavioral accounting can have positive consequences for organizations and for the country's macroeconomic level. The findings also indicated that the main components of behavioral accounting with a management control system approach include individual attitudes, cognitive-affective attitudes, social and environmental attitudes, investor misperceptions, capital market rules, type of ownership, country's economy, society, organization, industry characteristics, government policies, political factors, economic policy uncertainty, education, governance and organizational attitudes, supervision, and macroeconomics.

Keywords: Behavioral Accounting Model, Behavioral Accounting, Management Control System.



[10.71600/jacgr.2025.1209213](https://doi.org/10.71600/jacgr.2025.1209213)



How to cite this article: Heidari, Y., Aghdam Mazraa, Y., Abdi, R., & Jafari, A. (2025). The Behavioral Accounting Model with Management Control System Approach. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(12), 45-67. (in Persian).

1. PhD Student in Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

2. Assistant Prof of Accounting, Sufian Branch, Islamic Azad University, Sufian, Iran. *Corresponding Author: Aghdam.acc@iau.ac.ir

3. Assistant Prof of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

4. Assistant Prof of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

الگوی حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت

یونس حیدری^۱، یعقوب اقدم مزرعه^{۲*}، رسول عبدی^۳، علی جعفری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت می‌باشد. **روش:** در همین راستا، ابتدا عوامل مؤثر بر حسابداری رفتاری از رویکرد فرا تحلیل مبتنی بر نتیجه استخراج شد. سپس متغیرهای اثرگذار شناسایی شده با رویکرد دلفی در اختیار ۲۸ نفر در سال ۱۴۰۳ از اساتید خبره حسابداری و مدیریت و همچنین مدیران سازمان‌ها بصورت هدفمند قرار داده شد تا اجماع نظری روی متغیرهای تبیین کننده صورت پذیرد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد، خروجی سیستم‌های حسابداری می‌تواند از عوامل مختلفی مانند محیط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تکنولوژی تأثیرپذیر باشد. لذا تفسیر خروجی‌های سیستم حسابداری با واکنش‌های مختلفی همراه است که اصطلاحاً به این حسابداری رفتاری اطلاق می‌گردد.

نتیجه‌گیری: حسابداری رفتاری و بکارگیری آن می‌تواند برای سازمان‌ها و سطح اقتصاد کلان کشور پیامدهایی مثبتی داشته باشد. نتایج این الگو نشان داد، مولفه‌های اصلی حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت شامل نگرش‌های فردی، عاطفی شناختی، نگرش‌های اجتماعی و محیطی، شناخت و ادراک نادرست سرمایه‌گذاران، قوانین بازار سرمایه، نوع مالکیت، اقتصاد کشور، جامعه، سازمان، ویژگی‌های صنایع، سیاست‌های دولت، عوامل سیاسی، عدم قطعیت سیاست اقتصادی، آموزش، نگرش‌های حاکمیتی و سازمانی، نظارت، اقتصاد کلان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: الگوی حسابداری رفتاری، حسابداری رفتاری، سیستم کنترل مدیریت.



[10.71600/jacgr.2025.1209213](https://doi.org/10.71600/jacgr.2025.1209213)



استناد: حیدری، یونس؛ اقدم مزرعه، یعقوب؛ عبدی، رسول؛ جعفری، علی (۱۴۰۴). الگوی حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴(۱۲)، ۴۵-۶۷.

۱. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد صوفیان، دانشگاه آزاد اسلامی، صوفیان، ایران. *نویسنده مسئول: Aghdam.acc@iau.ac.ir

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

مقدمه

توسعه تحقیقات حسابداری در زمینه رفتار در مقایسه با تحقیقات حسابداری در سایر زمینه‌ها هنوز نسبتاً جدید است. به عنوان مثال، در مقایسه با تحقیقات در زمینه حسابداری مالی، با موضوع تحقیق در مورد توانایی نسبت‌های مالی در پیش‌بینی قیمت سهام و ورشکستگی، تحقیقات حسابداری در حوزه رفتار همچنان عقب مانده است. حسابداری سیستمی است که اطلاعات مالی را تولید می‌کند که کاربران از آن برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. اطلاعات، راهنمایی در انتخاب بهترین اقدام در تخصیص منابع کمیاب در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی است (جفری^۱، ۲۰۱۰). بنابراین حسابداری را نمی‌توان از رفتار انسانی یا سازمانی که نیاز به اطلاعات تولید شده توسط حسابداران دارد جدا در نظر گرفت. در نتیجه، حسابداری چیزی ثابت نیست، بلکه همیشه در طول زمان به دلیل عوامل محیطی که نیاز به حسابداری برای ارائه اطلاعات مورد نیاز توسط متخصصان حسابداری دارد، تکامل می‌یابد.

فرآیند جمع‌آوری، ارزیابی، ثبت، خلاصه و گزارش حسابداری مالی را حسابداری سنتی می‌نامند. اغلب، اطلاعات تولید شده توسط حسابداری با نیازهای کاربران مطابقت ندارد، بنابراین اطلاعات تولید شده مفید نیست. این ضعف به این دلیل به وجود می‌آید که حسابداری نمی‌تواند رفتار افرادی را که از اطلاعات استفاده کرده‌اند را پردازش و درک کند. حسابداری رفتاری برای غلبه بر نقاط ضعف حسابداری سنتی پدیدار شد. حسابداری رفتاری به عنوان زیرشاخه حسابداری، ابعاد رفتار انسانی و رابطه آن را با طراحی، گردآوری و استفاده از اطلاعات حسابداری به طور کارآمد و مؤثر برای دستیابی به وحدت اهداف ترکیب می‌کند. حسابداری رفتاری رابطه بین رفتار انسان نسبت به حسابداری و اطلاعاتی که تولید می‌کند و تأثیر اطلاعات حسابداری بر رفتار انسان را در نظر می‌گیرد (بیرنبرگ و شیلدز^۲، ۱۹۸۹).

مطالعه حسابداری رفتاری، افزون بر غنی‌سازی اطلاعات مالی، به حسابداران در طراحی و ایجاد سیستم‌های حسابداری دیدگاه و بینش کاربردی ارائه می‌دهد. برای مثال، اینکه چگونه مشارکت در بودجه‌ریزی می‌تواند عملکرد مدیریتی را بهبود بخشد، یکی از موضوعات مورد مطالعه حسابداری رفتاری است که امروزه مورد مطالعه قرار گرفته است (آرگریس^۳، ۱۹۵۲؛ چرینگتون و چرینگتون^۴، ۱۹۷۳؛ میلانی^۵، ۱۹۷۵؛ براونل و مکینز^۶، ۱۹۸۶).

در همین راستا، نقش سیستم‌های کنترل مدیریت نیز اهمیت دارد. سیستم کنترل مدیریت سازوکاری است که اطلاعات مشخصی را برای ارزیابی عملکرد منابع انسانی، فیزیکی و مالی سازمان جمع‌آوری و استفاده می‌کند و سازمان را به‌مثابه یک کل در استراتژی‌های سازمانی در نظر می‌گیرد (گوینداراجان^۷، ۲۰۰۷). این سیستم یکی از ابزارهای کلیدی برای کمک به مدیران در هدایت سازمان به سوی اهداف استراتژیک و مزیت رقابتی محسوب می‌شود. اطلاعاتی که توسط سازمان‌ها تهیه و ارائه می‌شود، می‌تواند برداشت‌های متفاوتی از سوی کاربران داشته باشد و این برداشت‌ها رفتار و انگیزه‌های مشارکتی یا عدم مشارکتی ذی‌نفعان را شکل دهد؛ امری که در حسابداری با عنوان «حسابداری رفتاری» شناخته می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت حسابداری رفتاری شاخه‌ای از حسابداری است که علاوه بر دانش فنی، به رفتار انسان نیز پیوند می‌خورد و به نگرش و واکنش افراد در مواجهه با پدیده‌های حسابداری می‌پردازد. این رشته خاص، نه‌تنها جنبه‌های مرتبط با پردازش اطلاعات و کیفیت قضاوت را بررسی می‌کند، بلکه ارتباط میان حسابداری، انسان و سازمان را نیز برجسته می‌سازد (ساپریانو^۸، ۲۰۱۸؛ یوستی^۹، ۲۰۱۳). به بیان دیگر، رفتار فردی و سازمانی را نمی‌توان از حسابداری جدا دانست (بیرنبرگ و شیلدز، ۱۹۸۹؛ خمسیه و ایندريانتورو^{۱۰}، ۲۰۰۰).

¹ Jefri

² Bimberg & Shields

³ Argyris

⁴ Cherrington Cherrington

⁵ Milani

⁶ Brownell and McInnes

⁷ Govindarajan

⁸ Supriyono

⁹ Yuesti

¹⁰ Khomsiyah & Indriantoro

اگرچه نتایج تحقیقات حسابداری رفتاری اغلب متناقض است، اما آگاهی از جنبه های رفتاری در فرآیند حسابداری به حسابداران کمک می کند تا اثربخشی استفاده از داده های حسابداری را افزایش دهند. حسابداری رفتاری به عنوان یک حوزه کاربردی در علوم رفتاری است. مفاهیم علوم رفتاری مورد استفاده روانشناسی، جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی هستند از این رو، طبیعی است که در فرآیند توسعه این حوزه، تحقیقات علوم رفتاری نسبت به تحقیقات حسابداری رفتاری پیشی گرفته باشند. از اینرو بررسی این مهم می تواند ابعاد جدیدی از حسابداری نوین را در مقابل حسابداری سنتی قرار دهد و پویایی در حسابداری را نیز مطابق پویایی اقتصادی طلب کند.

از آنجا که شرایط مبهم محیطی و خطاهای شناختی می توانند تصمیم گیری های مالی و حسابداری را تحت تأثیر قرار دهند، شناخت این ابعاد رفتاری اهمیت ویژه ای دارد. هدف پژوهش حاضر نیز شناسایی عوامل مؤثر بر حسابداری رفتاری با در نظر گرفتن نقش سیستم کنترل مدیریت است تا مدیران و ذی نفعان بتوانند در اتخاذ تصمیم های اقتصادی کارا تر و واقعی تر یاری شوند. بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق چنین است:

مدل حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سیستم کنترل مدیریت یکی از ابزارهای کلیدی برای هدایت سازمان به سوی اهداف استراتژیک به شمار می رود. این سیستم با جمع آوری و استفاده از اطلاعات در خصوص منابع انسانی، فیزیکی و مالی، عملکرد بخش های مختلف سازمان را مورد ارزیابی قرار می دهد. اهمیت این سیستم در آن است که سازمان را به مثابه یک کل منسجم در نظر گرفته و از این طریق، امکان هماهنگی فعالیت ها با استراتژی های کلان فراهم می شود. علاوه بر این، کنترل مدیریت فرآیندی است که طی آن مدیران می توانند سایر اعضای سازمان را در راستای تحقق استراتژی ها تحت تأثیر قرار دهند و از ابزارهای گوناگون کنترلی برای هدایت به سوی مزیت رقابتی استفاده کنند (فرزاتی و همکاران، ۲۰۱۱).

حسابداری رفتاری به عنوان شاخه ای میان رشته ای، تلاشی برای ترکیب حسابداری با علوم رفتاری محسوب می شود. این رشته با تمرکز بر ابعاد شناختی و عاطفی رفتار انسان می کوشد نشان دهد که تصمیم گیری های مالی و حسابداری صرفاً بر پایه داده های عینی شکل نمی گیرد، بلکه تحت تأثیر ادراکات، هیجانات و برداشت های ذهنی کاربران نیز قرار دارد. از این رو، حسابداری رفتاری به بررسی نحوه ادغام مؤثر اطلاعات مالی با سازوکارهای رفتاری می پردازد تا تصمیم گیری کارآمدتر و همسو با اهداف سازمانی حاصل شود (سایریانو، ۲۰۱۸).

این حوزه خاص از حسابداری، علاوه بر توجه به داده ها و فرآیندهای مالی، بر نگرش ها و واکنش های کاربران نیز تمرکز دارد. برای نمونه، در هنگام مواجهه با پدیده های حسابداری، افراد بسته به ویژگی های شخصیتی و شناختی خود ممکن است تصمیم های متفاوتی اتخاذ کنند. بنابراین، بررسی رفتار پردازش اطلاعات انسانی، کیفیت قضاوت، خطاهای ناشی از برداشت های نادرست و حتی مسائل مرتبط با مهارت های تصمیم گیری به طور مستقیم در دستور کار حسابداری رفتاری قرار دارد. این رویکرد سبب می شود تا حسابداری نه صرفاً به عنوان یک نظام عددی، بلکه به عنوان بخشی از نظام اجتماعی و انسانی نگریسته شود (یوستی، ۲۰۱۳).

ویژگی مهم حسابداری رفتاری در آن است که به طور مستقیم به رابطه میان حسابداری، جامعه و سازمان ها می پردازد. به این معنا که اطلاعات حسابداری صرفاً ابزاری برای ثبت تراکنش ها نیست، بلکه از طریق تفسیر و بازخورد کاربران، در شکل گیری انگیزه ها و کنش های اجتماعی نیز دخالت دارد. به بیان دیگر، حسابداری رفتاری پلی میان حسابداری و علوم اجتماعی برقرار می کند و از این طریق، امکان تحلیل اثرات متقابل بین انسان و نظام مالی را فراهم می سازد. این ویژگی موجب می شود تا حسابداری رفتاری نه تنها به بررسی داده ها، بلکه به تحلیل رفتار ارائه دهندگان و استفاده کنندگان صورت های مالی نیز بپردازد (بیرنبرگ و شیلدرز، ۱۹۸۹).

مطالعات رفتاری در حوزه حسابداری نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و در دهه ۱۹۷۰ با کار پژوهشگرانی چون اشتون و لیبی به سرعت گسترش یافت. تمرکز اصلی این مطالعات بر واکنش افراد به اطلاعات خاص و نحوه تأثیرگذاری آن بر رفتار و تصمیم‌گیری بود. این جریان پژوهشی نشان داد که حسابداری تنها زمانی می‌تواند به‌طور کامل ایفای نقش کند که به تعاملات انسانی و جنبه‌های رفتاری تصمیم‌گیرندگان توجه داشته باشد. این رویکرد بعدها به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیندهای حسابداری معرفی شد و به مرور جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات نوین یافت (خمسیه و ایندريانتورو، ۲۰۰۰).

در سطح بازار سرمایه، تحقیقات رفتاری نشان می‌دهد که همه سرمایه‌گذاران برداشت یکسانی از اطلاعات ندارند و واکنش‌های آنان در برابر تغییرات اقتصادی مشابه نیست. برای مثال، شرایط مبهم آینده و خطاهای شناختی ریشه‌دار در روانشناسی انسان سبب می‌شود تا افراد در شکل‌گیری انتظارات و تصمیم‌گیری‌های مالی دچار سوگیری شوند. در چنین شرایطی، مدل‌های عقلایی سنتی قادر به توضیح کامل رفتار سرمایه‌گذاران نیستند و حسابداری رفتاری با تمرکز بر عوامل غیرعقلایی می‌تواند تبیین دقیق‌تری ارائه دهد (رضائی و علمی^۱، ۲۰۱۸).

سرمایه‌گذاران اغلب تحت تأثیر محدودیت‌های شناختی و عاطفی، تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کنند که با پیش‌بینی‌های اقتصادی مرسوم سازگار نیست. این پدیده در بازارهای مالی نمود بیشتری دارد، جایی که سوگیری‌هایی نظیر بیش‌اعتمادی، رفتار توده‌وار یا زبان‌گریزی می‌توانند مسیر حرکت قیمت‌ها را دگرگون سازند. به همین دلیل، شناخت این سوگیری‌ها و ترکیب آن با اطلاعات حسابداری برای تحلیل بهتر رفتار بازار ضروری است. این امر موجب شده است تا بخش قابل توجهی از ادبیات مالی رفتاری بر ایجاد چارچوب‌هایی تمرکز کند که هم جنبه‌های اقتصادی و هم جنبه‌های رفتاری را در نظر گیرد (گرچی‌زاده و خانمحمدی، ۱۳۹۶).

بر همین اساس، برای کاهش خطاهای رفتاری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و به‌ویژه سرمایه‌گذاری، باید شناخت دقیق‌تری از سازوکارهای روانشناختی و رفتاری موجود به دست آورد. این شناخت، هنگامی معنا می‌یابد که همراه با ابزارهای تحلیلی مناسب برای ارزیابی شرایط موجود و پیش‌بینی شرایط آتی باشد. به کارگیری چنین رویکردی سبب می‌شود تا سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در تعامل با رفتار کاربران، نقش مؤثرتری در هدایت تصمیم‌های مالی ایفا کنند (نایب محسنی و همکاران، ۱۴۰۰).

پیشینه پژوهش

دانشمندی‌پور و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان نقش حسابداری مدیریت در رفتار فردی و اجتماعی (رویکرد نظریه زمینه بنیان) نشان دادند که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر حسابداری مدیریت رفتاری مقوله‌هایی مانند فازهای روانشناختی شامل روانشناسی شناختی، روانشناسی انگیزش و روانشناسی اجتماعی می‌باشد. مقوله محوری در این پژوهش حسابداری مدیریت رفتاری در سطوح فردی، گروهی، سازمانی و اجتماعی می‌باشد. دو مقوله اصلی یعنی عوامل مدیریتی و اثرات تکنیک‌های حسابداری مدیریت، شرایط زمینه‌ای را تشکیل دادند. اولین مقوله از شرایط زمینه‌ای مربوط به مدیریت پروژه و مدیریت ریسک می‌باشد. مدیریت ریسک در حوزه حسابداری مدیریت رفتاری زمینه‌سازی سطوح مختلف آن را فراهم می‌آورد. دومین مقوله شامل اثرات اطلاعاتی و انگیزشی است. شرایط مداخله‌گر دارای دو مقوله اصلی مهارت‌های رفتاری و اجتماعی و مفاهیم اولیه حسابداری مدیریت رفتاری می‌باشد.

یزدانی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان طراحی مدل ساختاری عوامل بومی مؤثر بر حسابداری مدیریت رفتاری پرداختند و یافته‌های تحقیق نشان داد که، ۴ مقوله به عنوان مقوله محوری ظاهر شدند که شامل: قضاوت حسابداران، قضاوت و تصمیم‌گیری افراد، عوامل رفتاری، ارزیابی و کنترل می‌باشند. سایر مقوله‌ها برای ارائه در مدل تصویری در پنج دسته شرایط علی (۴ مقوله)، بستر یا زمینه (۲ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۴ مقوله)، راهبردها (۳ مقوله)، پیامدها (۳ مقوله) قرار گرفتند.

گل ارضی و پیری (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیر "تصمیمات احساسی سرمایه‌گذاران بر وقوع بحران" با این هدف که احساسات سرمایه‌گذاران می‌تواند باعث اتخاذ تصمیمات احساسی و گاه غیرمنطقی از سوی آنان و در نتیجه باعث بروز ناهنجاری‌هایی از

قبیل نوسانات شدید در قیمت و حتی بحران در بازارهای مالی گردد. جامعه آماری دوره زمانی ۱۵ ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹ بر روی ۱۷۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که با به کارگیری رگرسیون لجستیک به این نتیجه رسیدند، احساسات سرمایه گذاران می تواند بر احتمال وقوع بحران مالی در بازار سرمایه مؤثر باشد.

نایب محسنی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان " تدوین مدل رفتاری تصمیم گیری سرمایه گذاران فردی در بازار سرمایه ایران " با استفاده از روش نظریه داده بنیاد چندوجهی با انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته عمیق با خبرگان حرفه طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ و پس از مصاحبه های انجام شده با خبرگان، در نهایت ۶۷ مقوله اصلی و ۲۱۸ مفهوم استخراج شد که مدل کلی پژوهش را شکل داد. یافته های پژوهش نشان می دهد که عوامل علی اثرگذار بر تصمیم گیری سرمایه گذاران عبارت اند از: پشیمان گریزی، طمع، ترس، ناهمبستگی شناختی، اثر شهرت، لنگر ذهنی، خود اسنادی، زیان گریزی، لذت قمار، تفکر سرمایه گذاری، رفتار توده ای، داشتن بیش نگر، ناکر، هیجان کاذب، اعتماد به نفس کاذب، تعصب به گذشته، تازه گرایی، حسابداری ذهنی، توانمندپنداری، عدم تقارن معاملاتی، خطای شباهت، اثر کهریابی، توهم قمارباز، انگیزه، افق زمانی، اثر سود اولیه، تجربه، سن، جنسیت و تحلیل. بر اساس نتایج پژوهش، سرمایه گذاران فردی می توانند با پیاده سازی راهبردهای ارائه شده، از طریق شناسایی و کاهش سویه های ذهنی خود، کیفیت تصمیم گیریشان را بهبود بخشند و تصمیم های سرمایه گذاری کاراتری اتخاذ کنند. این راهبردها عبارت اند از: خودشناسی، یادداشت برداری، دانش بازار سرمایه، تمرکز، کلی نگر، صبر، پذیرش و بررسی اشتباه ها، خودتکایی، مشورت، انتقادپذیری، انعطاف پذیری، مطالعه، متنوع سازی و حواس پرتی.

بخردی نسب و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان " واکنش سرمایه گذاران به حمایت در برابر تضاد منافع طی دوره رکود اقتصادی " به مطالعه واکنش سرمایه گذاران به حمایت در برابر تضاد منافع طی دوران رکود اقتصادی پرداختند. جامعه آماری پژوهش آن ها شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ بوده است. آن ها از طریق حذف سیستماتیک، تعداد ۱۷۶ شرکت را به عنوان نمونه آماری انتخاب نمودند. روش اجرای پژوهش بر اساس رگرسیون چندگانه و الگوی داده های ترکیبی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی اجراء شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن بوده است که تضاد منافع میان مدیر و مالک بر واکنش سرمایه گذاران تأثیر منفی داشته و حمایت از سرمایه گذار بر واکنش سرمایه گذاران تأثیر مستقیم داشته است. همچنین، از دیگر نتایج پژوهش این بوده است که اثر مثبت حمایت از سرمایه گذار و اثر منفی تضاد منافع میان مدیر و مالک بر واکنش سرمایه گذاران در دوره رکود اقتصادی تقویت می شود. در نهایت، اثر همکنشی حمایت از سرمایه گذار و تضاد منافع میان مدیر و مالک در دوره رکود اقتصادی با واکنش سرمایه گذاران تأثیر معکوس داشته است.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی عوامل مالی رفتاری مؤثر بر گزینش سرمایه گذاری فرشتگان سرمایه گذار پرداختند. آنان با مرور ادبیات نظری و انجام مطالعات مقدماتی، مجموعه ای از ۲۳ متغیر مالی رفتاری را استخراج کردند و سپس از طریق روش دلفی، اجماع متخصصان را در انتخاب شاخص ها به دست آوردند. در ادامه، پرسشنامه ای طراحی و میان ۱۸۳ نفر از فرشتگان سرمایه گذار توزیع شد. تحلیل داده ها در دو مرحله انجام گرفت: نخست، تحلیل عاملی اکتشافی که طی آن هفت عامل پنهان شامل امیدواری، گذشته نگر، فرا اعتمادی، ساده گزینی، ریسک پذیری، حسابداری روانی و خود اسنادی شناسایی شدند. در گام بعدی، برای تأیید ساختار هفت عاملی، تحلیل عاملی تأییدی اجرا شد که نتایج آن نشان داد مدل تدوین شده از برازش مطلوبی برخوردار است و عوامل شناسایی شده توانایی تبیین رفتارهای مالی فرشتگان سرمایه گذار را دارند. یافته ها نشان داد تصمیمات سرمایه گذاری این گروه به شدت متأثر از تورش ها و شهودهای رفتاری است و شناخت این مؤلفه ها می تواند در بهبود کیفیت تصمیم گیری و کاهش ریسک سرمایه گذاری های نوپا مؤثر باشد.

دادرس و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان " نقش مالی رفتاری در درک رفتار سرمایه گذاران فردی (مرور شواهد تجربی از بورس اوراق بهادار تهران " به شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم گیری سرمایه گذار فردی و همین طور شناسایی تورش های رفتاری در بورس اوراق بهادار تهران از طریق مرور جامع تحقیقات انجام شده در ایران و مقایسه آن ها با نتایج تحقیقات در بازارهای مالی سایر کشورها پرداختند. نتایج مطالعه آن ها نشان داد که تحقیقات داخلی و خارجی، نسبتاً عوامل مؤثر مشابهی را

همچون نسبت‌های مالی، توصیه‌ها، تورش‌های رفتاری و ...، شناسایی کرده‌اند. همچنین، تأثیر عوامل دموگرافیک بر رفتار سرمایه‌گذاران در بازار سهام تهران، مطالعه نشده است.

میرعلوی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "ارائه مدلی مبتنی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران جهت پیش‌بینی قیمت سهام با استفاده از روش‌های فرا ابتکاری شبکه‌های عصبی"، یک سیستم دو سطحی از شبکه‌های عصبی پرسپترون چند لایه پیشنهاد داده و از چندین شاخص برای پیش‌بینی استفاده کردند. آن‌ها از داده‌های شاخص قیمت بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ برای پیش‌بینی استفاده نمودند. در تحلیل رفتار مالی، نتایج پژوهش پس از بررسی تأثیر هر یک از عوامل رفتاری بر روی سرمایه‌گذاری دارایی‌های مالی نشان داده است که تمام عوامل به‌غیر از عامل بیش اطمینانی روی سرمایه‌گذاری تأثیرگذار بوده‌اند و میزان این تأثیر برای هر یک از جمله عوامل سود و زیان نسبی، اثر تمایلی، محافظه‌کاری، رفتار توده‌وار، شهود نمایندگی، اثر مالکیت و پشیمان‌گریزی متفاوت بوده است، که از بین این عوامل، عامل سود و زیان نسبی بیشترین تأثیر و عامل پشیمان‌گریزی کمترین تأثیر را بر روی سرمایه‌گذاری دارایی‌های مالی در بورس اوراق بهادار داشته است که این خود تأثیر مستقیم در شاخص قیمت بورس خواهد داشت. همچنین، برای آموزش بهتر شبکه عصبی و در نتیجه بهبود نتایج به‌دست‌آمده، از الگوریتم بهینه‌سازی ملخ برای انتخاب بهترین نمونه‌ها استفاده نمودند. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی توانسته با خطای پیش‌بینی پایین‌تری نسبت به دیگر مدل‌ها عمل کرده است.

گرچی زاده و خانمحمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "بررسی اثرات عوامل مالی رفتاری بر تصمیمات سرمایه‌گذاران انفرادی" به بررسی عوامل مؤثر بر میزان سرمایه‌ای پرداختند که سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه آن را سرمایه‌گذاری می‌نمایند. آن‌ها در بررسی خود به ویژگی‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید و با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه میزان رابطه میان متغیرها اندازه‌گیری شد. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که به ترتیب میزان بازده جاری کسب‌شده سرمایه‌گذار در بورس، پس‌انداز، سال‌های حضور در بورس، درآمد و افق سرمایه‌گذاری بیشترین تأثیر را روی حجم سرمایه‌گذاری افراد در بورس اوراق بهادار داشته است.

غریب‌لو و شرفی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی وجود اثرات هفتگی در بازدهی و حجم معاملات بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف اصلی آنان، شناسایی الگوهای رفتاری سرمایه‌گذاران و بررسی امکان دستیابی به سود اضافی از طریق تحلیل رفتارهای تکرارشونده در روزهای مختلف هفته بود. داده‌های مورد استفاده شامل بازدهی و حجم معاملات طی دوره زمانی شش‌ساله ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری جهت بررسی تفاوت میانگین بازدهی و حجم معاملات در روزهای مختلف هفته استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر یکشنبه به صورت قوی و اثر شنبه به صورت نیمه‌قوی در بازدهی بازار مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که بازدهی این روزها کمتر از سایر روزهای هفته بود. همچنین، اثر چهارشنبه نیز به طور معناداری وجود داشت و بازدهی آن نسبت به سایر روزها بالاتر بود. در زمینه حجم معاملات، نتایج نشان داد که روزهای شنبه و چهارشنبه اثرگذار هستند؛ به‌گونه‌ای که حجم معاملات چهارشنبه بیشتر و روز شنبه کمتر است. این یافته‌ها حاکی از وجود نوعی خوش‌بینی سرمایه‌گذاران پیش از شروع هفته جدید و ناامیدی آنان در آغاز هفته است.

موهانتی و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان سوگیری‌های شناختی و تصمیم‌گیری‌های مالی سرمایه‌گذاران بالقوه در طول کووید ۱۹ به این نتیجه رسیدند که سوگیری‌های اخیر تأثیر بالقوه‌ای بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران دارد، درحالی‌که سوگیری اعتماد بیش‌ازحد تأثیر ناچیزی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران دارد.

وو و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر ریسک کاهش سهام" پرداختند. جامعه آماری شامل شاخص سهام منتخب ۱۰۰ شرکت شنزن و ۱۸۰ شرکت بورس شانگهای طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ بود. نتایج حاصل از انجام تحلیل PLS نشان داد، احساسات سرمایه‌گذاران به‌طور معنی‌داری می‌تواند بر ریسک کاهش قیمت سهم در هر دو بازار شانگهای و شنزن اثر داشته باشد. به‌علاوه هرچه سرمایه‌گذاران بدبین‌تر باشند ریسک کاهش قیمت سهم افزایش می‌یابد و بالعکس.

^۱ Mohanty et al

^۲ Wu et al

کاپورال و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان "رفتار معاملات سرمایه‌گذاران و نوسانات بازار سهام در دوره‌های بحران: مدل دوگانه حافظه بلندمدت برای بورس سهام کره"، به بررسی تأثیر معاملات خریدوفروش سرمایه‌گذاران را بر نوسانات بازار سهام کره طی دو بحران، بحران آسیا ۱۹۹۷ و سقوط مالی جهانی ۲۰۰۸ پرداختند. آن‌ها رفتار خریدوفروش سرمایه‌گذاران داخلی در مقابل سرمایه‌گذاران خارجی و سازمانی را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که معاملات خریدوفروش تأثیر نامتقارنی بر نوسانات داشته که به نوع خریدوفروش سرمایه‌گذار و مرحله چرخه تجارت بستگی داشته است. سفارشات خرید نسبت به سفارشات فروش بسیار آموزنده‌تر بودند، زیرا بیشتر نوسانات آن‌ها در دوره‌های قبل از بحران کمتر بوده، درحالی‌که فروش و خرید پس از بحران معاملات، بدون توجه به اینکه چه کسی (سرمایه‌گذاران نهادی یا فردی) و چه اطلاعاتی (عضو، غیر عضو) معامله می‌کند، نوسانات مثبتی داشته است. از همه مهم‌تر، تجزیه معاملات خریدوفروش کل در دسته‌های نوع معامله‌گر نشان داد که برخی از سرمایه‌گذاران نهادی، معامله‌گران آگاه‌تری بوده‌اند که در مقایسه با افرادی که همیشه نوسانات را افزایش می‌دادند، بازار را تثبیت می‌کردند. سرمایه‌گذاران خارجی با خریده‌ها و کل فعالیت‌های معاملاتی خود در کل نمونه بحران آسیا نوسانات را کاهش می‌دادند، اما فقط در دوره قبل از بحران قبل از تلاطم‌های مالی جهانی اخیر.

رضائی و علمی (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان "مدل‌های مالی رفتاری و سوگیری‌های رفتاری در پیش‌بینی قیمت سهام" بیان کردند که بازار سهام تحت تأثیر اخبار و اطلاعات است. اگر بازار سهام کارآمد نباشد، واکنش قیمت سهام به اخبار و اطلاعات، بازار سهام را در حالت واکنش بیش‌ازحد و کم واکنش قرار می‌دهد. مدل‌های زیادی قبلاً با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های مختلف برای پیش‌بینی رفتار بازار سهام ارائه شده‌اند. در این مطالعه، واکنش قیمت سهام در بازار سهام با رویکرد مالی رفتاری مدل‌سازی شد. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به‌منظور پیش‌بینی قیمت سهام، داده‌های قیمت نهایی پایان آذر، اسفند، خرداد و شهریور و قیمت سهام و به‌عنوان نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از قانون بیز برای تخمین احتمال تغییر مدل استفاده شد. از طریق این قانون، احتمال وقوع یک رویداد را می‌توان با شرطی کردن وقوع یا عدم وقوع یک رویداد دیگر محاسبه کرد. نتایج برآورد مدل نشان داد که احتمال قرار گرفتن در رژیم‌های پر نوسان (بی‌واکنش) و کم نوسان (عدم واکنش قیمت سهام علی‌رغم شوک‌های واردشده به بازار سهام) وجود دارد. در مدل‌سازی با ماه، قیمت نهایی ثابت شد که قیمت واقعی سهام تفاوتی با قیمت بازار ندارد.

بیرد و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان "مالی رفتاری و بازارهای کارآمد: بحران یورو به ما چه می‌گوید؟" با مطالعه بحران در منطقه یورو بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵، بررسی کردند که آیا بازارهای مالی ویژگی‌های مرتبط با فرضیه بازار کارا را به‌طور کامل نشان می‌دهند یا اینکه آیا رویکردهای رفتاری که بر بدبینی بیش‌ازحد و سوگیری تأییدی تأکید دارند، شواهدی از عملکرد بازارها را نیز ارائه می‌دهند. آن‌ها چندین جنبه مهم رفتار بازار را مورد آزمون قرار دادند. به‌طور خاص بررسی کردند که تا چه حد تغییرات زیادی در حق بیمه ریسک در میان کشورهای که با بحران مواجه شده بودند به اخبار مربوط ارتباط داشت. همچنین، بررسی کردند که آیا تأثیر اخبار خوب و بد متقارن بوده است یا خیر. سرانجام آن‌ها بررسی کردند که آیا تغییر در حق بیمه ریسک در کشور یونان به روشی غیرمتقارن و مغرضانه بر حق بیمه در سایر کشورها تأثیرگذار است؟ آن‌ها دریافتند که گرچه شواهد قابل‌توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد بازارهای مالی غالباً به طرز مؤثری در طی بحران عمل می‌کنند، اما از این الگو نیز انحرافات مهمی وجود دارد که با رویکرد رفتاری سازگار بوده است. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن بوده که هنگام تلاش برای درک عملکرد بازارها، رویکردهای کارآمد و رفتاری مفید می‌باشند.

مک نایر و همکاران^۳ (۲۰۱۶) پژوهشی تحت عنوان "عوامل فردی پیش‌بینی رفتار مالی مصرف‌کننده در زمان فشار مالی بالا" انجام دادند و نشان دادند شناخت عوامل فردی مرتبط با رفتارهای مالی مصرف‌کننده در طول دوره‌های فشار مالی مشخص ممکن است بینش‌های جدیدی را در مورد کنترل بهتر امور مالی و کاهش هزینه‌های خود ارائه دهند. روش انجام پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی و تحلیل واریانس انجام شد. همچنین بررسی رفتار قرض گرفتن با استفاده از رگرسیون لجستیک

^۱ Caporale et al^۲ Bird et al^۳ McNair

باینری انجام گردید. در این پژوهش اشاره شده است که تفاوت‌های فردی خاص منجر به رفتارهای مالی متفاوت می‌شود. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که مداخلات برای بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی با شناخت مسائل فردی می‌تواند به اثربخشی بیشتر منجر شده و اگر مسائل روان‌شناختی مانند توسعه مهارت‌های مقابله‌ای (مقابله با استرس و غیره) مورد تأکید قرار گیرد، به حفظ کنترل رفتارهای مالی افراد کمک موثرتری می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۴۰۲).

آنیل و خیائو^۱ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای با عنوان "رفتارهای مالی قبل و بعد از بحران مالی شواهدی از یک نظرسنجی آنلاین"، عملکرد ۲۰ روش مالی را قبل و بعد از بحران مالی جهانی اخیر بررسی نمودند. داده‌ها از یک ابزار خودارزیابی مالی آنلاین با استفاده از پاسخ‌های جمع‌آوری شده، از ژانویه ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۱۰ به دست آمده بود. تعداد ۱۰، ۶۶۱ نمونه پاسخگو به منظور مقایسه به گروه‌های قبل و بعد از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷ تقسیم شدند. اختلاف معنادار دوره زمانی در جهت مثبت برای نمرات آزمون یافت شد که نشان‌دهنده فراوانی عملکرد ۱۲ روش مالی و برای نمره کل همه اقدامات بوده است. پس از تبدیل موارد به سه دسته رفتار کلی، امتیازات هر سه رفتار (بودجه‌بندی، هزینه و پس‌انداز) پس از شروع بحران مالی به طور قابل توجهی بالاتر بوده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از منظر ماهیت جزو تحقیقات کمی محسوب می‌شود که در دو مرحله صورت خواهد گرفت. مرحله اول؛ با توجه به عنوان پژوهش، ابتدا عوامل مؤثر بر حسابداری رفتاری از طریق روش تحقیق فرا تحلیل مبتنی بر نتایج شناسایی شده است. برای این منظور ابتدا مطالعات صورت گرفته در ارتباط با حسابداری رفتار (از طریق بررسی در سایت‌های www.sid.ir، www.noormags.ir، ensani.ir و سایت سویلیکا) و خارج از کشور (بیش از ۷۰ درصد مقالات موجود دارای مقاله بیس خارجی بودند) مورد بررسی قرار گرفت.

پس از بررسی و تأیید نویسندگان، در اختیار گروه‌های مختلفی از خبرگان حوزه حسابداری (شامل ۲۸ نفر از اساتید مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های مختلف که در زمینه تئوری‌های حسابداری و مدیریت، مقاله مرتبط یا تدریس داشتند و همچنین مدیران شرکت‌ها را شامل می‌شود).

در مرحله دوم؛ با استفاده از روش تحقیق دلفی که مبتنی بر نظرات تکمیل‌کننده خبرگان می‌باشد، یک فرآیند ارتباطی ساختارمند جهت حل تضادهای موجود در نتایج قبلی اقدام می‌شود. سپس با ترکیب این دو روش اقدام به تدوین الگوی حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت ارائه گردید.

لازم به ذکر است فرایند تحقیق از منظر زمانی در سال ۱۴۰۳ انجام گردیده است. همچنین خبرگان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند (خبرگانی که در سطح تحصیلات تکمیلی دروس تئوری‌های حسابداری مدیریت، تئوری‌های حسابداری مالی را تدریس می‌کنند و مدیران سازمان‌ها که با این رویکرد آشنایی داشتند و یا در زمینه موضوع پژوهش حاضر مقاله داشتند) انتخاب شدند.

نگاره ۱. عوامل مؤثر بر حسابداری رفتاری

گروه‌بندی	کد اولیه
نگرش‌های فردی	خطاهای شناختی
	گرایش به تخصص گرایی
	جنسیت
عاطفی شناختی	سن افراد
	تجربه سرمایه‌گذاران
	دانش مالی سرمایه‌گذاران
	ابهام‌گریزی

¹ O'Neill and Xiao

گروه‌بندی	کد اولیه
نگرش‌های اجتماعی و محیطی	فردگرایی
	تورش‌های رفتاری و فردی
	تیپ شخصیتی افراد
	توسعه نهادهای مالی و سرمایه‌گذاری
	گسترش بنگاه‌های اقتصادی
	گسترش اقتصادی بخش خصوصی
	کاهش منابع اقتصادی
	تغییرات در قوانین و مقررات
	الزامات حرفه‌ای و قانونی
	افزایش داده‌های رفتاری و تکنولوژی‌های تحلیلی
شناخت و ادراک نادرست سرمایه‌گذاران	توسعه نیافتگی اقتصادی
	تبعیض در تقسیم منابع سازمانی
	محافظه‌کاری بیش از حد مدیران
	احساسات عاطفی
قوانین بازار سرمایه	نبود تحلیل گران مجوز دار
	تصمیمات لحظه‌ای قانون‌گذار
	نبود برنامه جامع قانون‌گذار
نوع مالکیت	سرمایه‌گذاران نهادی
	مالکیت دولت
اقتصاد کشور	اوضاع نامطلوب و ناپایدار اقتصاد
	الگوهای کسب درآمد در اقتصاد
	پیچیدگی و عدم قطعیت در محیط کسب‌وکار
	ساختار کنترلی مدیریت
سازمان	محیط امن شغلی در سازمان
	وجود توجه به جایگاه و نیازهای منابع انسانی در بنگاه‌های اقتصادی
	قوانین و مقررات یک صنعت
ویژگی‌های صنایع	شدت رقابت در صنعت
	نوع کسب و کارها در جامعه
	تثبیت سرمایه‌گذاری
سیاست‌های دولت	ترغیب سرمایه‌گذاران به سمت آینده مطمئن و باثبات
	حمایت دولت از کسب و کارها
	سیاست‌های خارجی دولت
	تعامل با دنیا و پیمان‌های خارجی
عوامل سیاسی	تحریم
	وجود ارتباطات سیاسی در انتصابات مدیریتی
	باورهای اجتماعی جامعه
	بازارهای موازی
جامعه	اقتصاد خانوارها
	بهبود نقش حسابداری در جامعه
	افزایش سطح امید به آینده و رفاه اقتصادی
	محیط اجتماعی
	وضعیت مذهبی و فرهنگی

گروه‌بندی	کد اولیه
عدم قطعیت سیاست اقتصادی	مدیریت نرخ بهره
	مدیریت نرخ ارز
	تورم
آموزش	آموزش حسابداری و اقتصادی در مدارس
	آموزش حسابداری و اقتصادی دانشگاهی
	آموزش مدیریت احساسات و هیجانات
نگرش‌های حاکمیتی و سازمانی	ثبات اقتصادی در جامعه
	نگاه دولت به خروجی حسابداری به عنوان محرک اقتصادی
	بومی‌سازی اقتصاد و بازار سرمایه
	استفاده از تجربه‌های سرمایه‌گذاران خارجی و کشورهای همسایه
	بازنگری در نقش‌های حسابداری در بنگاه‌های اقتصادی
حضور مشاوران و تحلیل گران	تقویت سیستم منابع انسانی
	اصلاح ساختارهای مدیریتی
	استفاده از تحلیل گران
	استفاده از مشاوران
	ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاری
نظارت	پذیرش و قیمت‌گذاری شرکت‌ها قبل از بهره‌برداری
	نظارت بر فضای مجازی
	تثبیت و شفافیت قوانین و مقررات بدون تفسیر شخصی
اقتصاد کلان	تخصیص بهینه منابع در اقتصاد و جامعه
	افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری
	ایجاد و گسترش انضباط مالی

در این پژوهش، با توجه به اهمیت عوامل رفتاری در حوزه حسابداری، ابتدا تلاش شد تا چارچوبی جامع از مؤلفه‌های مؤثر بر حسابداری رفتاری استخراج شود. از آنجا که تصمیم‌گیری‌های مالی و سازمانی تحت تأثیر متغیرهای متنوع فردی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی قرار دارند، شناسایی این مؤلفه‌ها پیش‌شرط اساسی برای طراحی مدل تحقیق محسوب می‌شود. در این مسیر، محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناوری کشور و همچنین ویژگی‌های ساختاری سازمان‌ها و صنایع به‌عنوان بسترهای اثرگذار در نظر گرفته شدند. بر همین اساس، متغیرهایی نظیر نگرش‌های فردی و عاطفی-شناختی، شرایط اقتصادی و سیاسی، نوع مالکیت، سیاست‌های دولت و سطح آموزش مالی در جامعه، در قالب عوامل رفتاری مورد بررسی قرار گرفتند. انتخاب این مؤلفه‌ها زمینه‌ساز ورود به مراحل تحلیلی پژوهش و ارتباط‌دهنده میان مبانی نظری و یافته‌های تجربی است.

تحلیل کمی بر اساس فرا تحلیل مبتنی بر نتیجه انجام شده و شاخص‌ها شناسایی شدند. برای غربالگری و حصول اطمینان از اهمیت شاخص‌های شناسایی شده و انتخاب شاخص‌های نهایی از روش دلفی فازی استفاده شده است. برای سنجش اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. اگر چه افراد خبره از شایستگی‌ها و توانایی‌های ذهنی خود برای انجام مقایسات استفاده می‌نمایند، اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند سنتی کمی سازی دیدگاه افراد، امکان انعکاس سبک تفکر انسانی را به‌طور کامل ندارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (به‌کارگیری اعداد فازی) به پیش‌بینی بلندمدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت (کارامن و همکاران^۱، ۲۰۰۹). در این مطالعه نیز برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان پیرامون اهمیت هر یک از شاخص‌ها با طیف فازی ۹ درجه گردآوری شده است. در گام بعدی باید دیدگاه

¹ Kahraman et al

خبرگان تجميع شود. برای تجميع نظرات n پاسخ‌دهنده، روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است. در واقع این روش‌های تجميع، روش‌هایی تجربی هستند که توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده‌اند.

نگاره ۲. مرحله اول رویکرد دلفی

کران پایین	مقدار محتمل	کران بالا	مقدار قطعی	نتیجه راند ۱
C1	۵۳۱	۷۱۹	۸۱۷	۷۰۲ پذیرش
C2	۶۹۸	۸۴۸	۹۱۹	۸۲۲ پذیرش
C3	۵۹۶	۷۴۸	۸۴۰	۷۲۸ پذیرش
C4	۵۵۴	۷۰۴	۸۰۴	۶۸۸ پذیرش
C5	۵۷۳	۷۴۶	۸۶۳	۷۲۷ پذیرش
C6	۶۳۱	۷۸۳	۸۷۳	۷۶۳ پذیرش
C7	۶۱۰	۷۷۵	۸۷۳	۷۵۳ پذیرش
C8	۷۷۳	۹۰۶	۹۴۶	۸۷۸ پذیرش
C9	۷۲۱	۸۶۷	۹۳۳	۸۴۰ پذیرش
C10	۵۹۶	۷۴۸	۸۴۰	۷۲۸ پذیرش
C11	۶۳۱	۷۸۳	۸۷۳	۷۶۳ پذیرش
C12	۷۶۵	۸۹۴	۹۴۶	۸۶۸ پذیرش
C13	۷۶۵	۷۰۰	۷۹۸	۶۸۱ پذیرش
C14	۶۸۳	۸۴۴	۹۲۱	۸۱۶ پذیرش
C15	۵۰۸	۶۶۵	۷۹۰	۶۵۸ پذیرش
C16	۵۹۶	۷۴۸	۸۴۰	۷۲۸ پذیرش
C17	۷۹۰	۹۱۰	۹۴۶	۸۸۲ پذیرش
C18	۶۵۶	۸۲۱	۹۱۵	۷۹۷ پذیرش
C19	۶۵۶	۸۰۰	۸۷۵	۷۷۷ پذیرش
C20	۷۳۸	۸۷۳	۹۲۷	۸۴۶ پذیرش
C21	۵۷۱	۷۱۹	۸۱۷	۷۰۲ پذیرش
C22	۷۸۸	۸	۹۵۰	۸۸۲ پذیرش
C23	۶۹۸	۸۴۸	۹۱۹	۸۲۲ پذیرش
C24	۷۶۵	۸۹۴	۹۴۶	۸۶۸ پذیرش
C25	۵۴۶	۷۰۰	۷۹۸	۶۸۱ پذیرش
C26	۶۸۳	۸۴۴	۹۲۱	۸۱۶ پذیرش
C27	۵۰۸	۶۷۵	۷۹۰	۶۵۸ پذیرش
C28	۵۹۶	۷۴۸	۸۴۰	۷۲۸ پذیرش
C29	۷۹۰	۹۱۰	۹۴۶	۸۸۲ پذیرش
C30	۶۵۶	۸۲۴	۹۱۵	۷۹۷ پذیرش
C31	۶۵۶	۸۰۰	۸۷۵	۷۷۷ پذیرش
C32	۷۳۸	۸۷۳	۹۲۷	۸۴۶ پذیرش
C33	۵۷۱	۷۱۹	۸۱۷	۷۰۲ پذیرش
C34	۵۰۸	۶۷۵	۷۹۰	۶۵۸ پذیرش
C35	۵۹۶	۷۴۸	۸۴۰	۷۲۸ پذیرش
C36	۷۹۰	۹۱۰	۹۴۶	۸۸۲ پذیرش
C37	۶۵۶	۸۲۱	۹۱۵	۷۹۷ پذیرش
C38	۶۵۶	۸۰۰	۸۷۵	۷۷۷ پذیرش

کران پایین	مقدار محتمل	کران بالا	مقدار قطعی	نتیجه راند ۱
C39	۷۳۸	۸۷۳	۹۲۷	۸۴۶ پذیرش
C40	۷۹۰	۹۱۰	۹۴۶	۸۸۲ پذیرش
C41	۵۵۲	۷۱۰	۸۲۱	۶۹۴ پذیرش
C42	۵۹۸	۷۶۳	۸۷۱	۷۴۴ پذیرش
C43	۷۷۹	۹۰۴	۹۴۲	۸۷۵ پذیرش
C44	۷۱۵	۸۵۰	۹۱۰	۸۲۵ پذیرش
C45	۵۸۳	۷۵۴	۸۵۶	۷۳۱ پذیرش
C46	۵۹۶	۷۴۸	۸۳۸	۷۲۶ پذیرش
C47	۷۴۲	۸۷۹	۹۴۲	۸۵۴ پذیرش
C48	۵۵۴	۷۰۴	۸۲۵	۶۸۸ پذیرش
C49	۷۸۳	۹۰۶	۹۴۶	۸۷۸ پذیرش
C50	۵۷۳	۷۴۶	۸۶۳	۷۲۷ پذیرش
C51	۶۱۰	۶۷۵	۸۷۳	۷۵۳ پذیرش
C52	۶۵۶	۸۲۱	۹۱۵	۷۹۷ پذیرش
C53	۶۵۶	۸۰۰	۸۷۵	۷۷۷ پذیرش
C54	۷۳۸	۸۷۳	۹۲۷	۸۴۶ پذیرش
C55	۲۷۱	۷۱۹	۸۱۷	۷۰۲ پذیرش
C56	۷۸۸	۹۰۸	۹۵۰	۸۸۲ پذیرش
C57	۶۹۸	۸۴۸	۹۱۹	۸۲۲ پذیرش
C58	۷۲۹	۸۶۷	۹۳۱	۸۴۲ پذیرش
C59	۷۸۳	۹۰۶	۹۴۶	۸۷۸ پذیرش
C60	۵۶۰	۷۲۹	۸۴۴	۷۱۱ پذیرش
C61	۵۳۸	۶۹۶	۸۱۵	۶۸۳ پذیرش
C62	۵۵۲	۷۱۰	۸۲۱	۶۹۴ پذیرش
C63	۵۹۸	۷۶۳	۸۷۱	۷۴۴ پذیرش
C64	۷۷۹	۹۰۴	۹۴۲	۸۷۵ پذیرش
C65	۷۱۵	۸۵۰	۹۱۰	۸۲۵ پذیرش
C66	۵۹۶	۷۴۴	۸۳۸	۷۲۶ پذیرش
C67	۷۴۲	۸۷۹	۹۴۲	۸۵۴ پذیرش
C68	۵۵۴	۷۰۴	۸۰۴	۶۸۸ پذیرش
C69	۷۸۳	۹۰۶	۹۴۶	۸۷۸ پذیرش
C70	۵۷۳	۷۴۶	۸۶۳	۷۲۷ پذیرش
C71	۶۱۰	۷۷۵	۸۷۳	۷۵۳ پذیرش

در این مرحله مقدار قطعی تمامی عوامل بالاتر از ۰/۷ به دست آمده است. بنابراین هیچ عاملی حذف نشد.

راند دوم دلفی

تحلیل دلفی فازی برای عوامل شناسایی شده در راند دوم ادامه پیدا کرد. در این مرحله شاخص براساس دیدگاه خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفت. ولی در این راند عاملی حذف نشد.

نگاره ۳: مرحله دوم رویکرد دلفی

کران پایین	مقدار محتمل	کران بالا	مقدار قطعی	نتیجه راند ۲	
C1	۵۹۸	۷۶۳	۸۷۱	۶۹۴	پذیرش
C2	۷۷۹	۹۰۴	۹۴۲	۸۱۰	پذیرش
C3	۷۱۵	۸۵۰	۸۰۴	۷۲۴	پذیرش
C4	۵۹۶	۷۴۴	۹۴۶	۶۵۲	پذیرش
C5	۷۴۲	۸۷۹	۸۶۳	۷۱۸	پذیرش
C6	۵۵۴	۷۰۴	۸۷۳	۷۱۰	پذیرش
C7	۷۸۳	۹۰۶	۹۳۳	۷۱۹	پذیرش
C8	۵۷۳	۷۴۶	۹۴۶	۷۵۵	پذیرش
C9	۶۱۰	۷۷۵	۹۲۱	۲۶۸	پذیرش
C10	۷۲۱	۸۶۷	۹۴۶	۶۸۹	پذیرش
C11	۷۶۵	۹۴۴	۹۱۵	۷۴۸	پذیرش
C12	۶۸۳	۸۴۴	۹۲۷	۸۱۸	پذیرش
C13	۷۹۰	۹۱۰	۹۲۷	۶۷۵	پذیرش
C14	۶۵۶	۸۲۱	۸۱۷	۷۶۴	پذیرش
C15	۷۳۸	۸۷۳	۷۹۰	۶۴۵	پذیرش
C16	۵۳۱	۷۱۹	۸۴۰	۷۱۰	پذیرش
C17	۵۰۸	۶۷۵	۹۴۶	۷۰۹	پذیرش
C18	۵۹۶	۷۴۸	۹۱۵	۷۵۳	پذیرش
C19	۷۹۰	۸۲۱	۹۲۷	۷۵۶	پذیرش
C20	۶۵۶	۸۰۰	۸۸۳	۸۲۶	پذیرش
C21	۶۵۶	۸۷۳	۸۸۴	۶۹۴	پذیرش
C22	۷۳۸	۸۵۱	۸۴۸	۸۱۵	پذیرش
C23	۷۹۰	۹۰۱	۹۴۶	۸۱۴	پذیرش
C24	۷۹۰	۸۷۳	۸۲۱	۸۲۸	پذیرش
C25	۵۵۲	۹۱۰	۸۸۱	۶۷۱	پذیرش
C26	۵۹۸	۷۱۰	۹۴۲	۶۷۱	پذیرش
C27	۷۷۹	۷۶۳	۹۱۰	۶۱۷	پذیرش
C28	۷۱۵	۹۰۴	۸۵۶	۷۱۵	پذیرش
C29	۵۸۳	۸۵۰	۸۳۸	۷۵۷	پذیرش
C30	۵۹۶	۷۵۴	۹۴۲	۷۶۴	پذیرش
C31	۷۴۲	۷۴۴	۸۰۴	۷۶۳	پذیرش
C32	۵۵۴	۸۷۹	۹۴۶	۷۹۳	پذیرش
C33	۷۸۳	۷۰۴	۸۶۳	۶۷۳	پذیرش
C34	۵۸۳	۹۰۶	۸۷۳	۶۳۲	پذیرش
C35	۶۱۰	۷۴۶	۹۱۵	۶۹۲	پذیرش
C36	۶۵۶	۸۷۵	۷۷۵	۷۶۸	پذیرش
C37	۷۳۸	۸۲۱	۹۲۷	۷۶۳	پذیرش
C38	۵۸۱	۸۰۰	۷۸۱۷	۷۶۳	پذیرش
C39	۷۸۸	۸۷۳	۹۵۰	۸۰۵	پذیرش
C40	۶۹۸	۷۱۹	۹۱۹	۸۰۵	پذیرش
C41	۷۳۹	۹۰۸	۹۳۱	۶۹۱	پذیرش

کران پایین	مقدار محتمل	کران بالا	مقدار قطعی	نتیجه راند ۲	
C42	۷۸۳	۸۴۸	۹۴۶	۶۹۱	پذیرش
C43	۵۶۹	۸۶۷	۸۳۰	۷۵۵	پذیرش
C44	۵۶۰	۹۰۶	۸۴۴	۷۷۰	پذیرش
C45	۵۳۸	۶۹۶	۷۹۵	۶۷۶	پذیرش
C46	۵۵۲	۷۱۰	۸۲۱	۶۹۴	پذیرش
C47	۵۹۸	۷۶۳	۸۷۱	۷۴۴	پذیرش
C48	۷۷۹	۹۰۴	۹۴۲	۶۷۵	پذیرش
C49	۷۱۵	۸۵۰	۹۱۰	۸۱۰	پذیرش
C50	۵۹۶	۷۴۴	۸۳۸	۷۲۶	پذیرش
C51	۷۴۲	۸۷۹	۹۴۲	۷۴۴	پذیرش
C52	۵۵۴	۷۰۴	۸۰۴	۷۸۹	پذیرش
C53	۷۸۳	۹۰۶	۹۴۶	۷۶۸	پذیرش
C54	۵۷۳	۷۴۶	۸۶۳	۷۲۷	پذیرش
C55	۶۱۰	۷۷۵	۸۷۳	۶۸۷	پذیرش
C56	۷۲۱	۸۶۷	۹۳۳	۸۴۰	پذیرش
C57	۷۶۵	۹۴۴	۹۴۶	۸۰۳	پذیرش
C58	۶۸۳	۸۴۴	۹۲۱	۸۱۶	پذیرش
C59	۷۹۰	۹۱۰	۹۴۶	۸۶۲	پذیرش
C60	۶۵۶	۸۲۱	۹۱۵	۶۸۷	پذیرش
C61	۷۳۸	۸۷۳	۹۲۷	۶۴۶	پذیرش
C62	۴۱۴	۷۴۸	۸۴۰	۶۹۱	پذیرش
C63	۵۱۹	۷۰۶	۸۴۸	۶۲۳	پذیرش
C64	۶۳۱	۷۸۳	۸۷۳	۷۶۲	پذیرش
C65	۷۸۳	۹۰۶	۹۴۶	۸۱۳	پذیرش
C66	۵۹۶	۷۴۸	۸۴۰	۷۰۸	پذیرش
C67	۵۴۶	۷۰۰	۷۹۸	۶۸۱	پذیرش
C68	۵۰۸	۶۷۵	۷۹۰	۶۵۷	پذیرش
C69	۷۹۰	۹۱۰	۹۴۶	۸۶۲	پذیرش
C70	۶۵۶	۸۰۰	۸۷۵	۷۱۲	پذیرش
C71	۵۷۱	۷۱۹	۸۱۷	۷۰۲	پذیرش

پایان راندهای تکنیک دلفی

در دور دوم هیچ سؤالی حذف نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است. بطور کلی یک رویکرد برای پایان دلفی آن است که میانگین امتیازات سؤالات دو راند آخر باهم مقایسه شوند. در صورتیکه اختلاف بین دو مرحله از حد آستانه خیلی کم ($0/2$) کوچکتر باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود.

بر اساس نتایج مندرج در جدول مشخص گردید که در تمامی موارد اختلاف کوچکتر از $0/2$ است بنابراین می‌توان راندهای دلفی را به پایان برد.

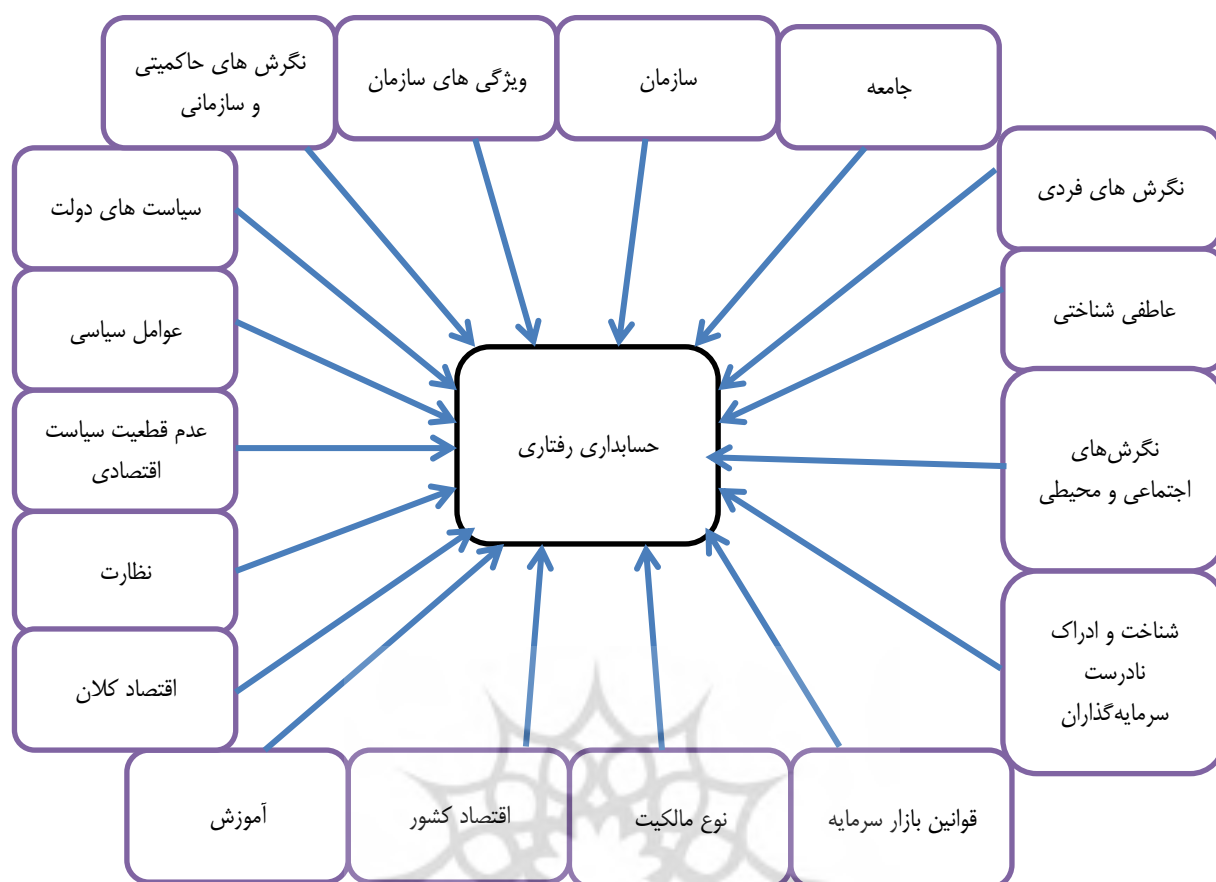
نگاره ۴: مرحله نهایی رویکرد دلفی

نتیجه راند اول	نتیجه راند دوم	اختلاف	نتیجه
C1	۰.۸۰۴	۰.۷۸۴	۰.۰۲ پذیرش
C2	۰.۹۸۳	۰.۹۶۴	۰.۰۱۹ پذیرش
C3	۰.۸۳۹	۰.۸۲۳	۰.۰۱۶ پذیرش
C4	۰.۷۸	۰.۷۵	۰.۰۳ پذیرش
C5	۰.۸۰۷	۰.۷۹	۰.۰۱۷ پذیرش
C6	۰.۸۸۹	۰.۸۸۴	۰.۰۰۵ پذیرش
C7	۰.۸۵۹	۰.۸۴۳	۰.۰۱۶ پذیرش
C8	۰.۷۰۹	۰.۶۹۸	۰.۰۱۱ پذیرش
C9	۰.۷۰۲	۰.۶۹۷	۰.۰۰۵ پذیرش
C10	۰.۸۳۹	۰.۸۰۹	۰.۰۳ پذیرش
C11	۰.۸۸۹	۰.۸۸۱	۰.۰۰۸ پذیرش
C12	۰.۷۰۸	۰.۷۰۱	۰.۰۰۷ پذیرش
C13	۰.۷۰۸	۰.۷۰۴	۰.۰۰۴ پذیرش
C14	۰.۹۶۲	۰.۹۴۵	۰.۰۱۷ پذیرش
C15	۰.۷۱۵	۰.۷۰۹	۰.۰۰۶ پذیرش
C16	۰.۸۳۹	۰.۸۲۹	۰.۰۱ پذیرش
C17	۰.۷۱۱	۰.۶۹۹	۰.۰۱۲ پذیرش
C18	۰.۹۲۴	۰.۹۲۱	۰.۰۰۳ پذیرش
C19	۰.۹۲۴	۰.۹۱	۰.۰۱۴ پذیرش
C20	۰.۷۰۴	۰.۶۹۷	۰.۰۰۷ پذیرش
C21	۰.۸۰۴	۰.۶۹۶	۰.۱۰۸ پذیرش
C22	۰.۷۱۱	۰.۷۰۳	۰.۰۰۸ پذیرش
C23	۰.۹۸۳	۰.۹۵۹	۰.۰۲۴ پذیرش
C24	۰.۷۰۸	۰.۶۹۷	۰.۰۱۱ پذیرش
C25	۰.۷۶۹	۰.۷۵۲	۰.۰۱۷ پذیرش
C26	۰.۹۶۲	۰.۹۴۲	۰.۰۲ پذیرش
C27	۰.۷۱۵	۰.۶۹۵	۰.۰۲ پذیرش
C28	۰.۸۳۹	۰.۸۲۴	۰.۰۱۵ پذیرش
C29	۰.۷۱۱	۰.۶۸۱	۰.۰۳ پذیرش
C30	۰.۹۲۴	۰.۹۱۴	۰.۰۱ پذیرش
C31	۰.۹۲۴	۰.۹۰۳	۰.۰۲۱ پذیرش
C32	۰.۷۰۴	۰.۶۷۴	۰.۰۳ پذیرش
C33	۰.۸۰۴	۰.۷۷۴	۰.۰۳ پذیرش
C34	۰.۷۱۵	۰.۷۱	۰.۰۰۵ پذیرش
C35	۰.۸۳۹	۰.۸۲۵	۰.۰۱۴ پذیرش
C36	۰.۷۱۱	۰.۷۰۹	۰.۰۰۲ پذیرش
C37	۰.۹۲۴	۰.۹۱۴	۰.۰۱ پذیرش
C38	۰.۹۲۴	۰.۹۱۶	۰.۰۰۸ پذیرش
C39	۰.۷۰۴	۰.۷	۰.۰۰۴ پذیرش
C40	۰.۷۱۱	۰.۷۰۳	۰.۰۰۸ پذیرش

نتیجه راند اول	نتیجه راند دوم	اختلاف	نتیجه
C41	۰.۷۷۷	۰.۷۶۷	پذیرش
C42	۰.۸۴۲	۰.۸۳۱	پذیرش
C43	۰.۷۱	۰.۶۹	پذیرش
C44	۰.۷۰۱	۰.۶۷۱	پذیرش
C45	۰.۸۳۱	۰.۸۰۱	پذیرش
C46	۰.۸۳۹	۰.۸۱۹	پذیرش
C47	۰.۷۰۵	۰.۶۸۵	پذیرش
C48	۰.۷۸	۰.۷۶	پذیرش
C49	۰.۷۱	۰.۷	پذیرش
C50	۰.۸۰۷	۰.۷۹۶	پذیرش
C51	۰.۸۵۹	۰.۸۳۹	پذیرش
C52	۰.۹۲۴	۰.۹۱۹	پذیرش
C53	۰.۹۲۴	۰.۹۱۴	پذیرش
C54	۰.۷۰۴	۰.۶۹۷	پذیرش
C55	۰.۳۸۲	۰.۳۷۹	پذیرش
C56	۰.۷۱۱	۰.۷۰۹	پذیرش
C57	۰.۹۸۳	۰.۹۷۴	پذیرش
C58	۰.۷۰۳	۰.۶۹۸	پذیرش
C59	۰.۷۱	۰.۶۹	پذیرش
C60	۰.۷۸۹	۰.۷۷۲	پذیرش
C61	۰.۷۵۸	۰.۷۴۸	پذیرش
C62	۰.۷۷۷	۰.۷۶۵	پذیرش
C63	۰.۸۴۲	۰.۸۳۵	پذیرش
C64	۰.۷۱	۰.۶۹	پذیرش
C65	۰.۷۰۱	۰.۶۹۷	پذیرش
C66	۰.۸۳۹	۰.۸۲۴	پذیرش
C67	۰.۷۰۵	۰.۶۹۵	پذیرش
C68	۰.۷۸	۰.۷۶	پذیرش
C69	۰.۷۱	۰.۶۸	پذیرش
C70	۰.۸۰۷	۰.۷۸۷	پذیرش
C71	۰.۸۵۹	۰.۸۴۹	پذیرش

الگوی استخراجی پژوهش حاضر مجموعه‌ای از عوامل کلیدی را نشان می‌دهد که بر حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت اثرگذارند. این الگو حاصل ترکیب روش فراتحلیل و دلفی فازی است و تلاش دارد تصویری جامع از ابعاد مؤثر بر رفتار مالی و سازمانی ارائه کند. نخستین بعد الگو نگرش‌های فردی و عاطفی-شناختی است که بیانگر آن است که ویژگی‌های فردی مانند سن، جنسیت، تجربه، تیپ شخصیتی و سطح دانش مالی سرمایه‌گذاران بر نحوه پردازش اطلاعات حسابداری و واکنش به داده‌های مالی اثر دارند. افراد ریسک‌گریز یا دارای سطح بالای ابهام‌گریزی، در مواجهه با شرایط اقتصادی نامطمئن تصمیم‌های متفاوتی نسبت به سایرین اتخاذ می‌کنند و این امر اهمیت توجه به مؤلفه‌های روان‌شناختی را نشان می‌دهد. بعد دیگر نگرش‌های اجتماعی و محیطی است که شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه را در تصمیم‌گیری‌های مالی دخالت می‌دهد. باورهای اجتماعی، وضعیت مذهبی و فرهنگی، سطح امید به آینده و حتی نقش بازارهای موازی می‌تواند ادراک افراد از اطلاعات حسابداری را تغییر داده و رفتارهایی چون مشارکت یا عدم مشارکت در سرمایه‌گذاری را موجب شود. محیط اجتماعی و فرهنگی بستری

است که در آن برداشت و واکنش کاربران نسبت به اطلاعات شکل می‌گیرد و الگو آن را به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حسابداری رفتاری معرفی می‌کند. شناخت و ادراک نادرست سرمایه‌گذاران بخش دیگری از الگو را تشکیل می‌دهد. احساسات عاطفی، محافظه‌کاری بیش‌ازحد و نبود تحلیل‌های تخصصی از جمله عواملی هستند که باعث برداشت‌های نادرست از اطلاعات مالی می‌شوند. این سوگیری‌ها می‌توانند تصمیمات سرمایه‌گذاران را به‌سمت انتخاب‌های غیرمنطقی سوق دهند و فاصله معناداری میان پیش‌بینی‌های اقتصادی و واقعیت رفتاری ایجاد کنند. حسابداری رفتاری در اینجا نقش خود را در شناسایی و تعدیل این سوگیری‌ها ایفا می‌کند. قوانین بازار سرمایه و سیاست‌های دولت در این الگو به‌عنوان متغیرهای ساختاری مطرح هستند. مقررات ناکامل، تصمیمات ناگهانی قانون‌گذاران و نیز سیاست‌های حمایتی یا محدودکننده دولت بر اعتماد و رفتار فعالان اقتصادی اثر مستقیم دارند. در همین چارچوب، ثبات یا بی‌ثباتی نهادی یکی از پیش‌شرط‌های شکل‌گیری رفتار عقلایی در میان سرمایه‌گذاران است. نوع مالکیت و ویژگی‌های صنایع نیز نقش مهمی در الگو ایفا می‌کنند. مالکیت دولتی یا خصوصی شرکت‌ها، شدت رقابت در صنعت و نوع کسب‌وکارها می‌تواند بر نحوه طراحی سیستم‌های کنترل مدیریت و کیفیت اطلاعات حسابداری اثرگذار باشد. مالکیت دولتی به دلیل ملاحظات سیاسی و اجتماعی، الگوهای رفتاری متفاوتی نسبت به مالکیت خصوصی ایجاد می‌کند. در سطح کلان‌تر، وضعیت اقتصاد کشور و متغیرهای اقتصاد کلان در الگو جایگاه ویژه‌ای دارند. عواملی مانند تورم، نرخ ارز، نرخ بهره و نحوه تخصیص منابع در سطح اقتصاد ملی، تصمیم‌های مالی و واکنش به اطلاعات حسابداری را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. در شرایطی که اقتصاد با عدم قطعیت یا تحریم مواجه باشد، تحلیل و تصمیم‌گیری مالی با پیچیدگی بیشتری همراه می‌شود و اینجاست که حسابداری رفتاری می‌تواند نقش تبیینی خود را ایفا کند. سازمان و ویژگی‌های آن بعد دیگری است که در الگو مورد توجه قرار گرفته است. ساختار کنترلی مدیریت، توجه به منابع انسانی و وجود محیط امن شغلی در سازمان‌ها عواملی هستند که بر تولید و استفاده از اطلاعات حسابداری تأثیرگذارند. سازمان‌ها بستر اصلی اجرای سیستم‌های کنترلی محسوب می‌شوند و رفتار کارکنان و مدیران در این محیط، موفقیت یا ناکامی حسابداری رفتاری را تعیین می‌کند. نظارت و آموزش به‌عنوان دو عامل مکمل در الگو دیده شده‌اند. آموزش حسابداری و مالی در مدارس و دانشگاه‌ها و نیز آموزش مدیریت احساسات می‌تواند رفتارهای مالی بهینه‌تری ایجاد کند. در کنار آن، نظارت شفاف و کارآمد از تفسیر شخصی قوانین جلوگیری کرده و زمینه تصمیم‌گیری‌های منطقی‌تر را فراهم می‌آورد. در نهایت نگرش‌های حاکمیتی و سازمانی، نشان‌دهنده نگاه سیاست‌گذاران به نقش حسابداری در اقتصاد هستند. ثبات اقتصادی و اصلاح ساختارهای مدیریتی از این منظر می‌تواند کیفیت اطلاعات حسابداری و رفتار ذی‌نفعان را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد.



نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف پژوهش حاضر ارائه الگویی برای حسابداری رفتاری با رویکرد سیستم کنترل مدیریت بود. یافته‌ها نشان دادند که مؤلفه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، نهادی و اقتصادی در تعامل با یکدیگر بر تفسیر و استفاده از اطلاعات حسابداری اثر می‌گذارند. بنابراین، نتیجه‌گیری این پژوهش باید مبتنی بر تحلیل این مؤلفه‌ها و ارتباط آن‌ها با همدیگر باشد تا درک روشن‌تری از جایگاه حسابداری رفتاری در نظام تصمیم‌گیری مالی و سازمانی فراهم شود.

یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش به نقش نگرش‌های فردی و عاطفی-شناختی مربوط می‌شود. ویژگی‌های فردی نظیر سن، جنسیت، سطح تجربه و دانش مالی، تمایل به ریسک یا ابهام‌گریزی، بر نحوه پردازش اطلاعات حسابداری و تصمیم‌گیری اثر مستقیم دارند. برای مثال، در شرایط اقتصادی نامطمئن، افراد ریسک‌گریز تمایل دارند محافظه‌کارانه‌تر عمل کنند و این موضوع منجر به استفاده متفاوت از داده‌های حسابداری می‌شود. این یافته با ادبیات پیشین هم‌خوان است؛ پژوهش نایب محسنی و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان داد که سوگیری‌های شناختی در شرایط عدم قطعیت اقتصادی تقویت می‌شوند. بر این اساس می‌توان گفت که طراحی سیستم‌های کنترلی باید حساس به تفاوت‌های فردی باشد و امکان انعطاف‌پذیری در واکنش به انواع کاربران را فراهم آورد.

بعد دوم الگو، نگرش‌های اجتماعی و محیطی است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که عوامل فرهنگی و اجتماعی نظیر هنجارهای گروهی، نگرش به آینده، نقش بازارهای موازی و حتی زمینه‌های مذهبی می‌توانند درک افراد از اطلاعات حسابداری را تغییر دهند. این موضوع در سازمان‌ها نیز اهمیت دارد؛ چراکه رفتار کارکنان و مدیران نه تنها از داده‌های مالی، بلکه از فضای فرهنگی پیرامون خود تأثیر می‌پذیرند. این نتیجه با مطالعه ساپریانو (۲۰۱۸) قابل مقایسه است که بر پیوند حسابداری با علوم اجتماعی تأکید داشت. به‌ویژه در ایران که تحولات اجتماعی و فرهنگی در کنار چالش‌های اقتصادی حضور پررنگی دارند، توجه به این بعد می‌تواند تبیین‌کننده بسیاری از واکنش‌های غیرمنتظره به گزارش‌های مالی باشد.

ادراک و شناخت سرمایه‌گذاران بعد مهم دیگری است که یافته‌ها بر آن تأکید داشتند. بسیاری از سرمایه‌گذاران دچار برداشت‌های نادرست ناشی از احساسات، محافظه‌کاری یا کمبود دانش تحلیلی هستند. این امر موجب می‌شود تصمیم‌های مالی آن‌ها همواره منطبق با الگوهای عقلایی نباشد. پژوهش حاضر نشان داد که در چنین شرایطی حسابداری رفتاری باید به‌عنوان ابزاری برای شناسایی و مدیریت این سوگیری‌ها عمل کند. این نتیجه با پژوهش گرجی‌زاده و خانمحمدی (۱۳۹۶) هم‌سو است که نشان دادند سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران واکنش‌های هیجانی و غیرعقلایی نسبت به تغییرات قیمتی نشان می‌دهند. بنابراین، آموزش مالی و ایجاد سازوکارهای نظارتی مناسب می‌تواند از شدت این خطاها بکاهد.

قوانین بازار سرمایه و سیاست‌های دولت از دیگر مؤلفه‌های شناسایی‌شده در الگو بودند. نتایج نشان دادند که تصمیمات لحظه‌ای یا تغییرات مکرر قوانین می‌تولند فضای بی‌اعتمادی و عدم اطمینان ایجاد کند که در نهایت بر واکنش‌های رفتاری ذی‌نفعان اثر می‌گذارد. این یافته با پژوهش رضائی و علمی (۲۰۱۸) قابل مقایسه است که نشان دادند ثبات مقرراتی شرط لازم برای کاهش رفتارهای غیرعقلایی در بازارهای مالی است. بنابراین، یکی از توصیه‌های کاربردی این پژوهش به سیاست‌گذاران آن است که در طراحی و اصلاح مقررات، آثار رفتاری کاربران اطلاعات مالی نیز در نظر گرفته شود و از تغییرات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی پرهیز شود.

نوع مالکیت و ویژگی‌های صنایع نیز از جمله عوامل مهمی بودند که در یافته‌ها برجسته شدند. شرکت‌های دولتی به دلیل وابستگی به ملاحظات سیاسی و اجتماعی، الگوهای رفتاری متفاوتی نسبت به شرکت‌های خصوصی نشان می‌دهند. همچنین شدت رقابت در صنعت و ماهیت کسب‌وکارها بر نحوه تولید و تفسیر اطلاعات حسابداری اثر می‌گذارد. این یافته با مطالعه بخردی‌نسب و همکاران (۱۳۹۹) هم‌خوان است که نشان دادند سازوکارهای نظارتی و تضاد منافع میان مدیر و مالک در صنایع مختلف رفتار سرمایه‌گذاران را به‌طور متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، تعمیم نتایج حسابداری رفتاری باید با توجه به ساختار مالکیت و ویژگی‌های هر صنعت انجام شود.

عوامل اقتصادی و کلان بعد دیگری از الگو هستند که یافته‌های پژوهش به آن اشاره کردند. بی‌ثباتی اقتصادی، تورم، نرخ ارز و نرخ بهره، همه به‌طور مستقیم بر رفتار کاربران اطلاعات مالی اثر دارند. این یافته‌ها در ایران به‌ویژه معنادار است؛ زیرا شرایط اقتصادی کشور طی سال‌های اخیر با نوسانات شدید و تحریم‌های گسترده همراه بوده است. در چنین شرایطی، افراد بیشتر به دنبال منافع کوتاه‌مدت هستند و تعهدات سازمانی در اولویت کمتری قرار می‌گیرد. این موضوع در پژوهش حاضر به‌عنوان یکی از دلایل اصلی گرایش به رفتارهای غیرعقلایی در سازمان‌ها شناسایی شد و با نتایج مطالعه دادرس و همکاران (۱۳۹۷) هم‌خوان است که نقش شرایط محیطی را در تشدید رفتارهای توده‌وار سرمایه‌گذاران تأیید کردند.

در سطح سازمانی، یافته‌ها بر اهمیت نقش سیستم‌های کنترل مدیریت تأکید داشتند. این سیستم‌ها زمانی اثربخش هستند که نه تنها داده‌های مالی را ارائه دهند، بلکه ابعاد عدالت و تعهد سازمانی را نیز در نظر گیرند. نتایج نشان دادند که ادراک کارکنان از عدالت سازمانی و میزان تعهد آن‌ها به‌طور مستقیم بر نحوه تولید و استفاده از اطلاعات حسابداری اثر دارد. این یافته با پژوهش فرزاتی و همکاران (۲۰۱۱) هم‌خوانی دارد که نشان دادند انتخاب و ارائه اطلاعات در سیستم‌های کنترلی باید با سازگاری رفتاری همراه باشد تا موجب افزایش انگیزه مشارکت شود. بنابراین، مدیران باید در طراحی کنترل‌ها، حساسیت بیشتری نسبت به عوامل رفتاری کارکنان داشته باشند.

آموزش و نظارت به‌عنوان دو عامل مکمل در الگو مطرح شدند. یافته‌ها نشان دادند که آموزش مالی در سطوح مختلف جامعه می‌تواند توانایی افراد در تحلیل اطلاعات حسابداری را افزایش داده و از شدت سوگیری‌های شناختی بکاهد. از سوی دیگر، نظارت شفاف و مؤثر، مانع از تفسیر شخصی قوانین و گزارش‌ها می‌شود و اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت می‌کند. این نتایج با مطالعه میرعلوی و پورزمانی (۱۳۹۸) قابل مقایسه است که نشان دادند ترکیب آموزش و نظارت می‌تواند نقش مؤثری در بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی داشته باشد. بنابراین، تقویت آموزش مالی و ارتقای کیفیت نظارت باید در اولویت برنامه‌های سازمانی و ملی قرار گیرد.

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های الگو به‌صورت مجزا عمل نمی‌کنند، بلکه ارتباطات متقابل میان آن‌ها در نهایت رفتار مالی و سازمانی را شکل می‌دهد. برای مثال، آموزش مالی می‌تواند اثر منفی بی‌ثباتی اقتصادی بر تصمیم‌گیری را

تعدیل کند یا ثبات قوانین بازار می‌تواند اعتماد اجتماعی را افزایش داده و موجب مشارکت فعال‌تر سرمایه‌گذاران شود. به همین دلیل، نگاه سیستمی به حسابداری رفتاری با رویکرد کنترل مدیریت ضروری است؛ چراکه تنها با در نظر گرفتن همزمان ابعاد فردی، اجتماعی، نهادی و اقتصادی می‌توان تبیینی واقع‌بینانه از رفتارهای مالی ارائه کرد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، مجموعه‌ای از پیشنهادها کاربردی ارائه می‌شود که ریشه در یافته‌های تحقیق دارند و می‌توانند مسیر مناسبی برای بهبود تصمیم‌گیری‌ها و کارکردهای سازمانی و اقتصادی فراهم سازند. نخست آنکه مدیران سازمان‌ها لازم است در طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های کنترل مدیریت، تفاوت‌های فردی و نگرش‌های شناختی کارکنان را به رسمیت بشناسند. چنین توجهی سبب می‌شود کنترل‌ها نه به‌عنوان مجموعه‌ای از اجبارهای صوری، بلکه به‌عنوان سازوکاری انعطاف‌پذیر و سازگار با واقعیت‌های رفتاری تلقی شوند و انگیزه مشارکت کارکنان در فرآیندهای سازمانی افزایش یابد.

در سطح کلان‌تر، سیاست‌گذاران اقتصادی باید هنگام تدوین مقررات و سیاست‌ها، پیامدهای رفتاری تصمیمات خود را مدنظر قرار دهند. تغییرات ناگهانی یا مقررات مبهم، نه‌تنها کارایی بازارها را کاهش می‌دهد بلکه موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و بروز رفتارهای هیجانی می‌شود. بنابراین ثبات مقرراتی و شفافیت در تصمیمات دولتی می‌تواند از عوامل کلیدی در ارتقای کارکرد حسابداری رفتاری در سطح ملی به‌شمار رود.

نهادهای آموزشی و حرفه‌ای نیز نقشی اساسی در ارتقای دانش و توانمندی جامعه بر عهده دارند. گسترش آموزش‌های مالی و رفتاری، چه در دانشگاه‌ها و چه در قالب دوره‌های تخصصی برای فعالان اقتصادی، می‌تواند توان تحلیل اطلاعات را در میان افراد افزایش دهد و زمینه کاهش سوگیری‌های شناختی و خطاهای تصمیم‌گیری را فراهم کند. به موازات این امر، نهادهای نظارتی باید بر شفافیت و اجرای صحیح قوانین تمرکز بیشتری داشته باشند. نظارت کارآمد، از تفسیرهای شخصی و خودسرانه جلوگیری کرده و اعتماد ذی‌نفعان را نسبت به عملکرد سازمان‌ها و بازارهای مالی تقویت می‌کند.

افزون بر این، یافته‌های پژوهش افق‌های تازه‌ای را برای تحقیقات آتی می‌گشاید. بررسی تعامل میان مؤلفه‌های شناسایی‌شده در صنایع گوناگون و تحلیل تفاوت‌های رفتاری ناشی از ویژگی‌های خاص هر صنعت، می‌تواند به تعمیم دقیق‌تر و کاربردی‌تر الگوی ارائه‌شده کمک کند. چنین مطالعاتی علاوه بر غنای نظری، راهنمایی‌های عملی ارزشمندی برای مدیران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران در اختیار قرار خواهد داد.

منابع

- بخردی نسب، وحید، ژولانژاد، فاطمه، و رحمانی، حسام. (۱۳۹۹). واکنش سرمایه‌گذاران به حمایت در برابر تضاد منافع طی دوره رکود اقتصادی. *توسعه و سرمایه*، ۵(۲)، ۲۱۱-۲۳۰.
- حساس یگانه، یحیی، ابراهیمی سروعلیا، محمدحسن، قاضی نوری، سیدسروش، و افخمی، عادل. (۱۳۹۸). فرشتگان سرمایه‌گذار: ارزیابی عوامل مالی رفتاری موثر بر گزینش سرمایه‌گذاری. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)*، ۱۲(۴۳)، ۴۱-۵۸.
- دادرس، کیوان، طلوعی اشلقی، عباس، و رادفر، رضا. (۱۳۹۷). نقش مالی رفتاری در درک رفتار سرمایه‌گذاران فردی (مرور شواهد تجربی از بورس اوراق بهادار تهران). *فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری*، ۷(۲۸)، ۸۳-۱۰۱.
- دانشمندپور، حبیب، پاک مرام، عسگر، جبارزاده کنگرلوئی، سعید، و بحری ثالث، جمال. (۱۴۰۳). نقش حسابداری مدیریت در رفتار فردی و اجتماعی (رویکرد نظریه زمینه بنیان). *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۳(۴۶)، ۲۵۳-۲۷۷.
- غریب لو، رضا، و شرفی، رضا. (۱۳۹۳). شناسایی اثرات مالی رفتاری با تأکید بر بازده و حجم روزهای هفته در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار*، ۲(۷)، ۱۵-۲۴.
- کریمی، نجف، رضائی، نادر، عبدی، رسول و پاک مرام، عسگر. (۱۴۰۲). ارائه مدل انتخاب پرتفوی با دیدگاه مالی رفتاری مدیران شرکت‌ها بر اساس تئوری نمایندگی. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۲)، ۴۳-۵۶.
- گرچی زاده، داود، و خانمحدی، محمد حامد. (۱۳۹۶). بررسی اثرات عوامل مالی رفتاری بر تصمیمات سرمایه‌گذاران انفرادی. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری*، ۶(۲۴)، ۲۷۵-۲۹۲.

- گل ارضی، غلامحسین، و پیری، سلیمه. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر تصمیمات احساسی سرمایه گذاران بر وقوع بحران در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه راهبرد مدیریت مالی*، ۱۰(۲)، ۹۹-۱۱۶.
- میرعلوی، سید حسین، و پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۸). ارائه مدلی جهت پیش بینی قیمت سهام با استفاده از روش های فرابابتکاری و شبکه های عصبی. *فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱۰(۴۰)، ۵۷-۸۳.
- نایب محسنی، شیدا، خلیفه سلطانی، سید احمد، و حجازی، رضوان. (۱۴۰۰). تدوین مدل رفتاری تصمیم گیری سرمایه گذاران فردی در بازار سرمایه ایران. *فصلنامه تحقیقات مالی*، ۲۳(۴)، ۶۲۵-۶۵۲.
- یزدانی، فرشید، محقق، عارفه، و فاضلی، نقی. (۱۴۰۲). طراحی مدل ساختاری عوامل موثر بر حسابداری مدیریت رفتاری. *فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۵(۶۰)، ۲۰۲-۲۳۲.
- Argyris, C. (1952). *The Impact of Budgets on People*. Ithaca: School of Business And Public Administration, Cornell University.
- BekhradiNasab, V., Zholanezhad, F., & Rahmani, H. (2021). The Reaction of Investors to Protection against Conflicts of Interest during the Recession. *Journal of Development and Capital*, 5(2), 211-230. (in persian)
- Bird, G., Du, W., & Willett, T. (2017). Behavioral Finance and Efficient Markets: What does the Euro Crisis Tell us?. *Open Economies Review*, 28(2), 1-23.
- Birnberg, J. G., & Shields, J.F. (1989). Three decades of Behavioral Accounting Research: A Search for Order. *Behavioral Research Accounting*, 1, 23-74.
- Brownell, P., & McInnes, M. (1986). Budgetary Participation, Motivation, and Managerial Performance. *The Accounting Review*, 61(4), 587-600.
- Caporale, G. M., Karanasos, M., Yfanti, S., & Kartsaklas, A. (2021). Investors' trading behaviour and stock market volatility during crisis periods: A dual long-memory model for the Korean Stock Exchange. *International Journal of Finance & Economics*, 26(3), 4441-4461.
- Cherrington, D. J., & Cherrington, J. O. (1973). Appropriate Reinforcement Contingencies In Budgeting Process. *Journal of Accounting Research*, 11, 225-253.
- Dadras, K., Toloei-Ashlagi, A., & Radfar, R. (2018). The role of behavioral finance in understanding the behavior of individual investors (a review of empirical evidence from the Tehran Stock Exchange). *Quarterly Journal of Investment Knowledge*, 7(28), 83-101.(in persian)
- Daneshmandpour, H., Pakmaram, A., Jabarzadeh Kangarlui, S., & Bahri Sales, J. (2014). The Role of Management Accounting in Individual and Social Behavior (Grounded Theory Approach). *Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking*, 13(46), 253-277. (in persian)
- Frezatti, F., Aguiar, A. B., Guerreiro, R., & Gouvea, M. A. (2011). Does management accounting play role in planning process?. *Journal of Business Research*, 64(3), 242-249.
- Ghariblou, R., & Sharafi, R. (2014). Identifying the effects of behavioral finance with emphasis on the returns and volume of weekdays in the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Financial Knowledge and Securities Analysis*, 2(7), 15-24. (in persian)
- Golarzi, G. and Piri, S. (2022). Assay the Impact of Investors' Emotional Decisions on Occurrence Crisis in Tehran Stock Exchange. *Financial Management Strategy*, 10(2), 99-116. (in persian)
- Gorjizadeh, D., & Khanumhedi, M. H. (2017). Investigating the effects of behavioral finance factors on individual investors' decisions. *Quarterly Scientific Research Journal of Investment Knowledge*. 6(2), 275-292. (in persian)
- Hassas Yeganeh, Y., Ebrahimi Sarvolia, M. H., Ghazi Nouri, S. S., & Afkhami, A. (2019). Angel Investors: Examining Behavioral Finance Factors Influencing Investment Selection. *Financial Knowledge Of Security Analysis (Financial Studies)*, 12(43), 41-58. (in persian)

- Jefri, H., SE MM, Sri WS, & Msi SE. (2010). Behavioral Accounting. *Journal of STIE Semarang*, 2(2).
- Kahraman, C., Kaya, İ., & Cebi, S. (2009). A comparative analysis for multiattribute selection among renewable energy alternatives using fuzzy axiomatic design and fuzzy analytic hierarchy process. *Energy*, 34(10), 1603-1616.
- Karami, N., Rezaei, N., Abdi, R., & Pakmaram, A. (2013). Presenting a portfolio selection model with the behavioral financial perspective of corporate managers based on agency theory. *Quarterly Journal of Accounting and Management Auditing Knowledge*, 12(2), 43-56. (in persian)
- Khomsiyah, D., & Indriantoro, N. (2000). Metodologi Riset Akuntansi Keperilakuan: Pendekatan Filsafat Ilmu. *Jurnal Bisnis dan Akuntansi*, 2(2), 89-102.
- McNair, S., Summers, B., Bruine de Bruin, W., Ranyard, R. (2016). Individual-level factors predicting consumer financial behavior at a time of high pressure. *Personality and Individual Differences*, 99, 211-216.
- Milani, K. (1975). The Relationship of Participation in Budget-Setting to Industrial Supervisor Performance and Attitudes: A Field Study. *The Accounting Review*, 50(2), 274-284.
- Miralavi, S. H., & Pourzamani, Z. (2019). Presenting a model for predicting stock prices using meta-heuristic methods and neural networks. *Quarterly Journal of Financial Engineering and Securities Management*. 10(40), 57-83. (in persian)
- Miralavi, S. H., & Pourzamani, Z. (2019). Providing a model for predicting stock prices using ultra-innovative neural networks. *Financial Engineering and Portfolio Management*, 10(40), 57-83.
- Mohanty, S., Patnaik, B., Satpathy, I., & Sahoo, S. K. (2024). Cognitive biases and financial decisions of potential investors during Covid-19: an exploration. *Arab Gulf Journal of Scientific Research*, 42(3), 836-851.
- Nayeb Mohseni, S., Khalifah Soltani, S. A., & Hejazi, R. (2011). Developing a behavioral model of individual investors' decision-making in the Iranian capital market. *Quarterly Journal of Financial Research*. 23(4), 625-652. (in persian)
- O'Neill, B., & Xiao, J. J. (2012). Financial behaviors before and after the financial crisis: Evidence from an online survey. *Journal of Financial Counseling and Planning*, 23(1), 33-46.
- Rezaei, N., & Elmi, Z. (2018). Behavioral Finance Models and Behavioral Biases in Stock Price Forecasting. *Advances in Mathematical Finance and Applications*, 3(4), 67-82.
- Supriyono, R.A. (2018). Akuntansi Keperilakuan. Yogyakarta. Gadjah Mada University Press.
- Wu, B., Cai, Y., & Zhang, M. (2021). Investor Sentiment and Stock Price Crash Risk in the Chinese Stock Market. *Journal of Mathematics*, 2021(6), 1-10.
- Yazdani, F., Mohaghegh, A., & Fazeli, N. (2013). Designing a structural model of factors affecting behavioral management accounting. *Quarterly Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 15(60), 202-232. (in persian)
- Yuesti, A. (2013). Tahir Ilahi Sebagai Prinsip Perilaku Penyajian Laporan Keuangan Berbasis Ten Commandments Of God. Doktor thesis, Universitas Brawijaya.